

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق  
۰۱ اگست ۲۰۲۳



محمد محق

## انفجار در مدرسه جمعیت علمای اسلام پاکستان، نتایج کشاندن پای دین به خشونت

روز گذشته یکی از تجمعات حزب جمعیت علمای اسلامی پاکستان در منطقه باجور آن کشور شاهد انفجاری مرگبار بود که بیش از صد کشته و زخمی در پی داشت. این حادثه یکی از هزاران حادثه خونینی است که در پیوند با کمشکس‌های مذهبی اتفاق می‌افتد. با توجه به گراف بلند خشونت‌های دینی در این بخش از جهان می‌توان پرسید چرا نهادهای دینی در منطقه ما با خون و خشونت پیوندی ناگسستنی یافته و به صورت دورانی مایه مرگ و اندوه می‌شوند؟ فلسفه ظهور دین در تاریخ بشر پاسخ‌گویی به نیازهای روحی و معنوی انسان‌ها بوده است. در بعد مادی، انسان‌ها مانند سایر حیوانات برای خورد و نوش و امرار زندگی همیشه تلاش داشته‌اند و راه‌های آن را پیدا کرده‌اند. اما تفاوتی که انسان‌ها با حیوانات داشته‌اند این بوده است که تنها با برآوردن نیازهای غریزی مانند سیر شدن شکم و رابطه جنسی و تولید مثل ارضا نمی‌شوند و به دنبال یافته‌ای ژرف‌تر می‌گردند که به زندگی‌شان معنا بدهد و نسبت آنان را با جهان به صورت معنادارتری برقرار کند. در این راستا بوده است که پدیده‌ای به نام دین در تاریخ بشر ظهور می‌کند تا بار معنوی وجود او را پررنگ گرداند و عطش روحی او را فرونشاند و بستر تکامل اخلاقی او را فراهم آورد. تکامل اخلاقی از راه پاکیزه شدن از کین و نفرت، از حرص و شهوت، از خشم و سبیت، و از رذایلی مانند این است، و از این راه است که انسان بر حیوان برتری پیدا می‌کند.

هنگامی که دین به نهادی با برخورداری‌های مادی، شأن اجتماعی، نفوذ سیاسی، و رقابت بر سر ثروت و قدرت تبدیل شد، کارکرد آن یکسره وارونه می‌شود و به جای شست و شوی روان، ارتقای معنوی و تکامل روحی انسان، مایه تشنج و تنفر و موجب خون و خشونت می‌گردد. این کارکرد منفی هنگامی به اوج خود می‌رسد که دین و مذهب تبدیل به

عنصری هویتی می‌شود تا انسان‌ها را از یک دیگر جدا کند و میان‌شان مرز بکشد و به خلق شکاف‌های ابدی و خصوصیت‌های جاویدان بینجامد.

نقشی که امروزه بسیاری از مدارس دینی در منطقه ما با گرایش‌های مختلف سنی و شیعی و سلفی و دیوبندی و اخوانی و مانند این‌ها به عهده دارند تعمیق هر چه پیش‌تر نقش وارونه دین است. این‌ها هیچ کمکی به بهبود اخلاقی جامعه و بالا رفتن معنویت در زندگی مردم و تقویت بهداشت روانی انسان‌ها نمی‌کنند و به این جهت سطح اخلاق در این جوامع به مراتب نازل‌تر از جوامع لیبرال است و این را می‌توان با دلیل و مدرک نشان داد.

همین دینداری تهی از معنویت و اخلاق و آکنده با تعصب و نفرت است که زمینه روی آوردن به خشونت و ترور را مساعد می‌کند و در اثر آن نه تنها دگراندیشان امنیت روانی و فزیک خود را از دست می‌دهند که دامنه‌اش به خود دین‌داران هم می‌رسد و در مساجد و مدارس انفجار می‌شود و در تجمعات دینی خون و کشتار ادامه می‌یابد. کافی است که کسی به آمارهای بی‌شمار خشونت‌های مذهبی در پاکستان مراجعه کند تا ابعاد وحشتناک این وضعیت برایش روشن شود.

افغانستان امروز با افزایش چنین مدرسی از سوی طالبان، در این زمینه پا به جای پای پاکستان می‌گذارد و خود را برای نهاده‌تر کردن دینداری بیمارگونه و آفت‌زده و افشاندن پیش‌تر تخم کینه و دشمنی و دامن زدن بیش‌تر به خون و خشونت و عقب‌مانده نگه داشتن بیش‌تر جامعه از سیر تحولات زمان، بیش از پیش آماده می‌کند. کمربندها را محکم ببندید!